

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکلیان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com



اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.

ایسکرا

۳۶۵

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۶ خرداد ۱۳۸۶، ۶ ژوئن ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکلیان abdolgolparian@yahoo.com



محمد آسگران

"اسلام گیت منشعین" جنگ با اسلام سیاسی و جایگاه چپ سنتی و شرق زده ایرانی

در دفاع از کمپین "ما از مذهب رویگردانیم"
 و سازمان اکس مسلم!

(۱)

ضد مذهب "جوردانو برونو" که يك سازمان بزرگ و مطرح در آلمان است بیش از بقیه، وقت و امکانات برای پیشبرد این حرکت گذاشته است. اما با این وجود بدون حضور يك شخصیت مطرح و شناخته شده مثل مینا احدی چنین سازمانی فعلاً درست نمیشد. هم اکنون این سازمان يك تشکل ثبت شده و رسمی و پر سرو صدا در آلمان است. صفحه ۲

اولیه اش را کادرها و اعضای حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری چپ عراق تشکیل داده اند. اما بعد از سه ماه فعالیت، تعداد اعضا آن از مرز ۴۰۰ نفر گذشت. ترکیب اعضا این سازمان از کشورهای مختلف اسلام زده از جمله: ایران، عراق، عربستان، مراکش، آلمان، سوریه، ترکیه، سوئیس و... میباشدند. در این میان سازمان سکولاریست و

کمپین "ما از مذهب روی گردانیم" کمپین سازمانی است که در آلمان به اسم Zentralrat der Ex-muslime فعالیت خودش را از ماه فوریه ۲۰۰۷ آغاز کرده است. ایده این سازمان از يك سال قبل مطرح بود و نهایتاً با همکاری نزدیک و تنگاتنگ چهار سازمان سکولار و ضد مذهب آلمانی فعالیتش را در فوریه امسال آغاز کرد. این سازمان بدنه اصلی



عبدالکلیان

کنگره ۶، کنگره سوسیالیسم و حریت بود

روزهای ۲۶ و ۲۷ مه ۲۰۰۷، شاهد یکی از بی نظیرترین کنگره های حزب کمونیست کارگری ایران بود. قصد دادن مدال افتخار به حزب را ندارم کما اینکه لایق و شایسته این افتخار هم هست. این کنگره از هر نظر بی نظیر بود. سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی لیبر حزب در بیان واقعی ضرورت و مبرمیت سوسیالیسمی که مدتهاست در میان بخشهای مختلف جامعه طلبیده می شود. سوسیالیسمی که آرمان و آرزوی همیشگی انسان، برای رهایی از جهنمی است که توسط سرمایه، ملیتاریسم نظم نوین و اسلام سیاسی ایجاد شده است. آیا بی نظیر نیست؟ نمایندگی کردن خواست جامعه میلیونی، خواست آزادی و برابری در شرایطی که بگفته رفیق حمید تقوایی، این حزب يك تنه، با افق، برنامه و سیاستهای روشن، حزبی خلاف جریان است. در دنیای تاریکی که ملیتاریسم نظم نوین و اسلام سیاسی برای بشریت ایجاد کرده اند، تغییر این جهنم برای يك حزب خلاف جریان، یعنی تلاشی هرکولی و عظیم. کنگره سوسیالیسم و حریت، راه خلاصی از این تاریکی را ترسیم و تاکید کرد بدون داشتن چنین افق و سیاستهایی همراه با کار شبانروزی کادرها و اعضای این حزب و بدون يك رهبری با درایت و تیزبین، منسجم و همفکر، کاری بس دشوار خواهد بود. در حالی که گرایشات و نیروهای مدافع جامعه

مدنی، لنگان لنگان دارند به دفاع از مدنیت می رسند، این کنگره، کنگره تاکید و ارج نهادن بر انسان و انسانیت بود. کنگره این پیام را اعلام کرد که برای تحقق سوسیالیسمی که آرزو و خواست میلیونها انسان است، حزب و حریت را باید بعنوان تنها ضامن موفقیت، بارها و بارها تاکید کرد. تاکید بر حزبی مدرن، منسجم، یکدست، که بتواند فردای کسب قدرت سیاسی را تضمین کند. قرار و قطعنامه هایی در کنگره به تصویب رسید که تماماً در جهت گسترش و تقویت افق و اهداف انسانی و طبقاتی حزب بود. از آن دسته از کسانی بوده ام که در تمامی کنگره های حزب کمونیست کارگری شرکت داشته ام. اما کار سازماندهان کنگره ۶ از هر نظر با کنگره های پیشین متفاوت بود. چنین تلاشی توسط جمعی از رفقا و تدارک دو شبانروز زندگی نزدیک به ۳۰۰ نفر، شرکت کننده، تحسین بر انگیز بود. صفا و صمیمیت حاکم بر فضای کنگره، نشاط و شادمانی آن دو روز، هیچگاه از اذهان زوده نخواهد شد. به تمامی کارگران و مردم، به اعضا و کادرهای حزب برای برگزاری این کنگره موفق و پر امید باید تبریک گفت.

کنگره ۶ - یک سؤال از ناصر اصغری، امیر توکلی و سعید اصلی



صفحه ۴

قرار بازداشت شیت امانی و صدیق کریمی یک ماه دیگر تمدید شد
 به مناسبت اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار ILO

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران

صفحه ۵

در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار
 مروری بر بخش کوچکی از جنایات جمهوری اسلامی بر علیه کارگران ایران
 کمیته همبستگی بین المللی کارگری

صفحه ۶

قرار بازداشت شیت امانی و صدیق کریمی یک ماه دیگر تمدید شد
 کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

"اسلام گیت منشعین" . . .

از صفحه ۱

سایت این سازمان قبل از برگزاری اولین کنفرانس مطبوعاتی آن در دسترس همگان قرار گرفت. کنفرانس مطبوعاتی این سازمان روز ۲۸ فوریه ۲۰۰۷ با سرو صدای خیلی زیاد با سخنرانی مینا احدی، آرزو توکر و میکائیل شمیت سالمون (از سازمان جوردانو برونو) برگزار شد. در این کنفرانس حدود صد خبرنگار از رسانه های مختلف جهان حضور داشتند.

انعکاس مطبوعاتی فعالیتهای این سازمان جهانی شده است. اگر چه مرکز ثقل فعالیت این سازمان فعلاً در آلمان است. تا کنون همه رسانه های مهم خبری و سیاسی آلمان از این حرکت گزارش مصاحبه و رپورتاژ با رهبران این سازمان منتشر کرده اند. اما ابعاد و سروصدای این کمپین اکنون جهانی شده است. شاخه اسکاندیناوی این سازمان در اواخر ماه مه ۲۰۰۷ آغاز بکار کرد و بزودی در انگلستان هم کارش را آغاز میکند. تا کنون به زبانهای آلمانی، انگلیسی، فارسی، عربی، هلندی، دانمارکی، نروژی، فنلاندی، سوئدی کردی و... مطالب و مصاحبه و گزارشات متعددی از فعالیت و اعلام موجودیت این سازمان در جامعه منتشر شده است. در آلمان روزانه چندین گزارش، مطلب، مصاحبه و رپورتاژ در دفاع و یا مخالفت با این سازمان در رسانه های آلمانی زبان پخش میشود. همین اتفاق اکنون در کشورهای اسکاندیناوی در حال گسترش است و امیدواریم بزودی در انگلستان با قدرت بسیار بیشتری این کمپین آغاز بکار کند.

در میان جریانات سیاسی اپوزیسیون در آلمان سازمان اکس مسلم و کمپین "ما از مذهب رویگردانیم" پر سرو صداترین حرکت در آلمان است که در ابعادی میلیونی مردم از فعالیتهای آن مطلع شده اند. تقریباً میتوانم بگویم هیچ رسانه مهمی در آلمان وجود ندارد که در مورد این سازمان و فعالیتهایش علیه اسلام سیاسی چیزی نگفته و نوشته باشد. اخیراً هم به وسیله سخنگویان این سازمان کمپین علیه حجاب کودکان، علیه قتلهای

ناموسی و علیه مدارس مذهبی و علیه ساختن مساجد شروع شده است.

علاوه بر رسانه های آلمانی زبان تاکنون تعدادی از مهمترین رسانه های جهانی با مسئولین این سازمان به ویژه مینا احدی مصاحبه و یا رپورتاژ تهیه و پخش کرده اند. از جمله تلویزیون CNN خبرگزاری رویترز، خبرگزاری رسمی آلمان dpa، رادیو بین المللی بی.بی.سی.، وال استریت ژورنال آمریکا، لیبراسیون فرانسه، نشریه سراسری کانادا به اسم "گلوب اند مایل" و... نشریات هفتگی شپینگل، اشتترن، فوکوس، و... تلویزیونهای مهم -RTL-، -ZDF-ARTE، -WDR، NTV، RTL، N24، RTL، و... نشریات و رسانه های متعدد دیگری که به منظور طولانی شدن مطلب از اسم بردن آنها صرف نظر میکنم. علاوه بر اینها وجود هزاران لینک اینترنتی به زبانهای مختلف ابعاد این فعالیت را بیشتر نشان میدهد. علاقه مندانی میتوانند اطلاعات بیشتر را از سایت سازمان اکس مسلم آلمان www.Ex-muslim.de یا همین آدرس با دات کام در اسکاندیناوی و www.rowzane.com دریافت کنند.

سوال این است چرا این سازمان در مدت کوتاهی این چنین مطرح و در ابعادی جهانی سرو صدا به پا کرد؟

جواب درست به این سوال اهمیت و جایگاه این نوع فعالیت و زمینه های اجتماعی آنرا برای ما عیان خواهد کرد. علاوه بر اینکه ما در مورد خودمان چه میگوئیم، به نظرم خبرنگار وال استریت ژورنال آمریکا در مصاحبه با مینا احدی جواب دقیقی به این مسئله داده است: "یک جنبش سکولاریستی و آگزیو در اروپا علیه دخالت مذهب بویژه علیه اسلام سیاسی در حال شکل گیری است، شما مهمترین و پرسروصداترین سازمان این جنبش در اروپا هستیید" این خبرنگار مسئله را درست دیده است. ای کاش چه شرق زده و عقب مانده ایرانی هم

به اندازه این خبر نگار عقل و درایت داشت.

پایه های مادی و اجتماعی این حرکت:

یک جنبش و حرکتی جهانی علیه دخالت مذهب و فرهنگ پست مدرنیستی و نسبیت فرهنگی به حرکت در آمده است. مردم از آینده زندگی خود و از اسلام سیاسی میترسند از میلیتاریسم آمریکا بیزارند و از نقش کلیسا دل خوشی ندارند. امیدوی به احزاب پارلمانی برای تغییر ندارند. متأسفانه اغلب احزاب و سازمانهای چپ جوامع غرب از سر "ضد امریالیست" بودن اکثر اوقات در کنار جریانات اسلامی و یا با سکوت در مقابل آنها ظاهر شده اند. ناگفته نماند این چپ هر اندازه در مقابل شیخ نصرالله و حزب الله سر تعظیم فرود میآورد در مقابل کمونیستهای کارگری دهن دریده و بی پرستی است. چپ سنتی شرق زده ایرانی از اینها هم عقب مانده تر و حاشیه ای تر و بی ربط تر به دنیای موجود است. این جریانات به هر نسبتی از جامعه دورتر و ایزوله تر باشند به همان اندازه بی پرستی تر و پرت تر حرف میزنند.

اما در بیرون دنیای مالخیولایی این "چپ"، جامعه بعد از فاجعه ۱۱ سپتامبر دچار شوک عمیقی شده است. مدتی بعد از آن واقعه جامعه وارد فکر کردن و تعمق و تلاش برای یافتن راه حل شد. یک الیت معترض و روشن بین بعد از این شوک عمیق و ترس از آینده جامعه بشری، به بازبینی و یافتن راه حل روی آورده است. جامعه به این راه حل نیاز دارد. برخلاف چپ حاشیه ای همه گرایشات اجتماعی تلاش میکند به این نیاز جواب خود را بدهد. نیاز به وجود این چنین سازمانی از اینجا ناشی میشود. خود این سازمان برآمد تشکیلاتی و سازمانی گوشه ای از این جنبش عظیم اجتماعی است.

برای ما امکانی که وجود داشت این بود که ما با اتکا به تئوریهای منصور حکمت در نقد اسلام سیاسی و دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر و با توجه به اینکه هیچ وقت به نسبیت فرهنگی و سیاستهای پست مدرنیستی توهمی نداشتیم و با توجه به اینکه جامعه همیشه ما را با نقد رادیکال و

ماکزیمالیست این گرایشات میشناسد، توانستیم جوابی درست و به موقع به این نیاز اجتماعی بدهیم. به همین دلیل در مدت کوتاهی در راس چنین جنبشی قرار گرفته ایم که ابعادی جهانی دارد. این مقطع از تاریخ بشر یک نقطه عطف مهم و تعیین کننده در جامعه و در ابعادی جهانی است. ما این نیاز را تشخیص دادیم و جواب رادیکالی را در مقابل جامعه قرار داده ایم. اما کسی که این جنبش را نمی بیند نیازی به جواب دادن و فعالیت کردن در تقویت آن هم اساساً برایش مطرح نمیشود. نمونه تیپیک این پا در هوای و هپروتی حرف زدن نزد حزب آقای مدرسی (منشعین) به وفور پیدا میشود. خواندن آنها برای مزاح بد نیست.

مطرح شدن این سازمان و پر سرو صدا بودن کمپین ما از مذهب رویگردانیم، بدون یک جنبش اجتماعی علیه دخالت مذهب در زندگی مردم در ابعادی وسیع، بدون نیاز جامعه و حساسیت جامعه به این موضوع و بدون نیاز جامعه به تغییر رادیکال، قطعاً اتفاق نمی افتاد. این امر باید روشن باشد بدون چنین جنبشی سازمان اکس مسلم یا تشکیل نمیشد و یا اگر تشکیل میشد این چنین ابعادی پیدا نمیکرد.

تشخیص درست و جواب به نیاز این جنبش بود که ما و شخصیتهای ما را به سخنگویان آن تبدیل کرده است. در این دوره و در شرایط فعلی دنیا، باید تاکید کنم فقط کمونیستهای کارگری میتوانستند این جواب قاطع و روشن و ماکزیمالیست را بدهند. جریانات ضد مذهب کم نبوده و کم نیستند. سکولارها و آنتیستها انواع سازمانهای کوچک و بزرگ دارند. شخصیتهای مطرح، نویسندگان سکولار، هنرمندان با اسم و رسم و منتقد اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا و... کم نیستند. اما تنها جریانی که بطور جدی مطرح شده است و در راس این جنبش قرار گرفته است ما هستیم. ما کمونیستهای کارگری. دلیل این اتفاق این است که ما تمام تصویر را داریم. میدانیم چکار کنیم و میدانیم قدم بعدی را چگونه برداریم. میدانیم با کدام اسم به جنگ هیولای اسلام سیاسی برویم. این نه تبلیغ و

پروپاگاندا که يك حقیقت است. اگر کسی این جنبش را در این ابعاد نبیند نمیتواند وارد چه باید کرد و قدمهای بعدی آن بشود. کسی که این جنبش را نبیند هر حرکت و اقدامی را در چهار چوب محدود سکتی خودش و ضرر و زیان سکت خودش ارزیابی میکنند. دنیا برای اینها کل بشریت نیست، جواب آنها هم قاعداً جواب به نیازهای انسان امروز نیست. سکت و محفل خودشان کل دنیای اینها را تشکیل میدهد.

قبل از هر تحلیل و ارزیابی از سازمان اکس مسلم و کمپین ما از مذهب رویگردانیم و چگونگی قرار گرفتن در راس یک جنبش اجتماعی تحول خواه، لازم است اول این جنبش را ببینیم و به رسمیت بشناسیم. این کلید هر سیاست، پلاتفرم، استراتژی و اقدام عملی است. پیروزی این حرکت و به سرانجام رساندن آن در گرو پذیرفتن این تصویر و به رسمیت شناختن این جنبش عظیم اجتماعی است. میدانم که چنین انتظاری از چپ شرق زده و نیمچه مذهبی اضافی است. اما جامعه و بشریت متمدن هیچ وقت منتظر این محافل سرگردان و فریز شده در یخچالها نبوده است. اینها به زیستن در حاشیه جامعه عادت کرده اند. رقابتهای و طلاق گرفتن و ازدواج کردن محافلشان با هم بسیار بیشتر از تحولات اجتماعی آنها را به تکاپو میندازد. اگر دنیا را آب ببرد اینها تکان نمیخورند، زیرا فضای فکریشان بشدت محدود و وسعت دیدشان به اندازه ابعاد همان محافلشان است. علاوه بر این فرهنگ شرق زده و عقب مانده محافلشان آنها را در مقابل تحولات عظیم اجتماعی کور کرده است. با این فضای عقب مانده فکری اینها تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر و جنبش اجتماعی ضد مذهبی کنونی را یا نبینند و یا دوست ندارند ببینند که اسلام سیاسی مورد تعرض قرار گیرد. زیرا سازمانهایی از نوع حزب الله از منظر این "چپ" در مقابل "امپریالیسم مقاومت" میبایستند، مدرسه میسازد، چتر حمایت از مردم است، و پوزه امریالیستها را به خاک میمالد. جنبش اسلام سیاسی به دلیل جنگش با "امپریالیستها" محبوب

"اسلام گیت منشعبین" . . .

از صفحه ۲

این چپ شده است.

بنابر این جنبش سکولاریستی و جنبش علییه دخالت مذهب در زندگی مردم و رهبری این جنبش در دنیای امروز بویژه در دنیای پس از ۱۱ سپتامبر نمیتواند مورد نفرت این "چپ" واقع نشود. قدم اول در مورد جنگ آخر عراق اینها گفتند این جنگ جنگ تروریستها نیست. به نظر آنها این جنگ فقط قلدری آمریکا بود و بس. اعلام کردند که اسلام سیاسی در این جنگ دخالتی ندارد. جنگ آمریکا و متحدینش در عراق از نظر اینها یک طرفه بود. اسلام سیاسی از منظر اینها تقصیری نداشت. قدم بعدی اعلام کردند که حزب الله مدرسه میسازد و چتر حمایتی مردم است. و بالاخره اعلام کردند چرا در حق جمهوری اسلامی دو پل مورال بکار گرفته میشود اگر پاکستان و اسرائیل بمب اتم دارند چرا جمهوری اسلامی نداشته باشد. مشکلمان این نبود که وجود بمب اتم و نیروگا های اتمی برای بشریت خطر ناک است. مشکلمان سرنوشت مردم نبود. وسط دعوا بر سر بمب اتم، آنها طرفدار عدالت داشتن بمب اتم شده بودند. اکنون در مخالفت با ما میگیرند اگر مبارزه علییه مذهب

میشود چرا فقط اسلام سیاسی را مورد حمله قرار میدهید، چرا مذاهب دیگر به اندازه اسلام سیاسی مورد حمله قرار نمیگیرند. اینجا هم طرفدار "عدالت" شده اند. این چپهای "عادل" مشکلمان این است که چیزی از دنیای امروز نیاموخته اند. روندهای پایدار تحولات سیاسی را نمیتواند ببینند و یا دوست ندارند ببینند.

این چپ در خوشبینانه ترین حالت اسلام سیاسی و جنبش اسلامی را یک مذهب مثل دیگر مذاهب معرفی میکند. اینها سیاست را کنار گذاشته و دنیا را ایدئولوژیک میبینند. به همین دلیل نقدشان به ما این است که چرا علییه جریانات اسلامی بیشتر فعالیت میکنیم و مبارزه علییه کلیسا و دیگر مذاهب خرافی دنیا را به همین سیاق به چالش نمیطلبیم. مشکل اینجا بازم "عدالت خواهی" این چپ است. چپی که به لانه های خود خزید و از دور دنیا را با دوربین نگاه میکند نمیتواند بفهمد که اسلام سیاسی چه بلای بر سر جامعه آورده است. و به همین دلیل نمیتواند بفهمد سازمان اکس مسلم با تابو شکنی و فعالیت سیاسی نه تنها فلسفی، علییه اسلام و جنبش

اسلامی چه جایگاهی دارد. اینها نمیبینند که اسلام سیاسی تنها یک مذهب نیست این یک جنبش سیاسی ارتجاعی و خطر ناک است که کل چهره دنیا را دستخوش تحول کرده است. اینها جنگ دو قطب تروریستی در ابعاد جهانی را نمیبینند و تلاش میکنند اطرفیانشان را با این تصویر بار بیاورند که مقصر در این دنیا فقط آمریکای جهانخواه است و بس. زیرا اسلام و اسلام سیاسی خودی و شرقی است. در مقابل این "جهانخواهان" مقاومت سازمان میدهد و سرپناهی در مقابل صهیونیستها ساخته است.

با این تفاسیل در دنیای امروز وجود دو قطب تروریستی و تهدید جهان متمدن بوسیله آنها رهبری جنبش سکولاریستی، آته ایستی و جنبش خلاصی فرهنگی و ضد مذهبی نمیتواند در دست یک جریان لیبرالی و یا چپ نیمه اسلامی باشد. جریانی که به نسبت این دو قطب فقط به یکی حساس است خواه ناخواه در کنار آن یکی قرار میگیرد. آواشن دادن آقای مدرسی به حزب الله دلیش تغییر فلسفی عقاید غیر مذهبی او به مذهبی نبود. بلکه به دلیل تحلیل او از دنیا و تفاسیر سیاسی ای بود که در بالا به آن اشاره کردم.

بنابر این رهبری جنبش سکولار

و ضد دین برای رسیدن به اهداف ناچار است و باید علییه هر دو قطب تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی به رهبری آمریکا باشد. و به همین اعتبار نمیتواند به جریانات حواشی این دو قطب هم بی تفاوت بماند. این جنبش سکولاریستی و آنتیستی که سازمان اکس مسلم در راس آن قرار گرفته است بخشی از همان قطب سوم و جهان متمدن است که با نقدی رادیکال و افقی روشن و آلترناتیوی انسانی وارد میدان سیاست شده است. اما در عین حال رهبری این جنبش قرار نیست فقط فعالیت فرهنگی بکند. قرار نیست فقط منتقد دیگران باشد و از آنها بخواهد خودشان را اصلاح کنند. قرار نیست ما و قتمان را به نقد این چپ حاشیه نشین و غیر اجتماعی که ربطی به دنیای و درد و مرگ امروز مردم ندارد صرف کنیم. این جنبش ضد مذهبی و رهبری آن باید مدعی نوع دیگری از زندگی، نوع دیگری از قانون و تغییر رادیکال تمام قوانین تبعیض آمیز و غیر انسانی کنونی و مدافع حقوق جهانشمول انسان برای همه مردم باشد. رهبری این جنبش میتواند و باید به عنوان زبان گویای مردم معترض به وضع موجود و انسانهایی که از آینده نگران هستند باشد.

قدرتمند شدن این جنبش کمک

میکند که جریانات چپ و

کمونیستی میدانی برای ابراز وجود اجتماعی پیدا کنند. طبعاً جریانات چپ سنتی و حاشیه ای نمیتوانند اهمیت این حرکت را درک کنند. چپهای سنتی در آلمان اولین نمونه اش را علییه سازمان اکس مسلم این چنین بیان کردند: "این سازمان در راستای سیاست آمریکا علییه اسلام سیاسی فعالیت میکند. علییه اسلام مبارزه کردن چرا در اروپا؟ این کار در عربستان خوب است اما در اروپا به معنی هم آهنگی با امریالیستها است" دوم خردادیهای خجول مقیم آلمان هم نوشته اند: "این اقدام برای مطرح کردن حزب کمونیست کارگری است که بعد از کنفرانس برلین "منزوی" شده بود!" اسلامیهها هم گفته اند اینها کافر هستند و برای پیدا کردن اسم و رسم این کار را میکنند. جریانات افراطی تر اسلامی هم فتوای قتل صادر کردند. چپ شرق زده و عقب مانده ایرانی با عقب ماندگی فکری و جنبشی اش در همین چهار چوب به عملیات ایزایی علییه کمونیستها پرداخته و میرزا بنویس جنبش اسلام سیاسی شده است. نمونه برجسته آن حزب آقای مدرسی است. در بخش بعدی نگاهی به مواضع اینها خواهم داشت.

ادامه دارد

کنگره ۶ یک سؤال از . . .

از صفحه ۴

می کنید؟

سعید اصلی :

گفتگویی که با رفیق بسیار عزیزم عبدل کلپریان داشتم، فرصتی دست داد که مروری بر کنگره ششم حزب کمونیست کارگری ایران، کنگره ای که تب، شور و شوق شرکت در آن بخصوص بعد از التهاب انتخابات سراسری و محلی نمایندگان و بالاخص نمایندگان منتخب، بسیار بالا بود داشته باشم. این التهاب بویژه برای من تا لحظات پایانی کنگره تمامی نداشت. موقعیت سیاسی حزب و جایگاه اجتماعی اش و دیگر ضرورتهای سیاسی ای

این کنگره و قطعنامه های آن صرفاً مربوط به ایران نیست، بعدی جهانی دارد چرا که مساله جمهوری اسلامی و آینده ایران امروز دیگر بعدی جهانی پیدا کرده است. ما و همه بشریت آزادخواه و سوسیالیست یک طرف مهم و تعیین کننده این جدال جهانی هستیم.

بنظرم کنگره بسیار خوب و موفق بود و حزب را برای دوره ای پر شتاب که در پیش داریم به لحاظ سیاسی آماده کرد و آرایش لازم را نشان داد.

ایسکرا: سعید اصلی شما

کنگره ۶ را چگونه ارزیابی

که حزب را هر چه خاصتر در مبارزه و رهبری مبارزات رادیکال مردم و طبقه کارگر ایران با شعار سوسیالیسم و آنها هم امروز، کسب قدرت سیاسی و متحقق کردن حکومت کارگری، همه و همه اهمیت کنگره را برای من و نه فقط من بلکه بسیاری دیگر از رفقا و مبارزین سوسیالیسم در ایران و سایر نقاط جهان را بیشتر و بیشتر میکند.

کنگره با سرود زنده اترناسیونال، این سرود جهانی طبقه کارگر جلوه و رنگ و امید پیروزی انسانیت را به همه رفقای حاضر در کنگره نوید داد. برای دومین بار در زندگی از این بشارت و نوید اشک در چشمانم حلقه زده بود. کنگره سوم حزب

کمونیست کارگری - کنگره کسب قدرت سیاسی - برایم زنده شده بود. سخنرانی رفیق منصور حکمت در خصوص کسب قدرت سیاسی و رای با اتفاق آرا کنگره، موجب آن شده بود که اشک به چشمانم بیاید و امروز بار دیگر حزب کمونیست کارگری ایران با برگذاری ششمین کنگره سراسری اش متفق و منسجم اعلام کرد که تبلور و انعکاس واقعی مبارزه طبقاتی کارگران در ایران است. کنگره "سوسیالیسم و تحزب" حزب کمونیست کارگری مکمل کنگره سوم حزب، کنگره کسب قدرت سیاسی بود. کنگره به طبقه کارگر ایران و انسانهای شریف و آزاده در تمام دنیا نشان داد که حزب کمونیست کارگری ایران، حزبی

جدی در دنیای وارونه سرمایه داری است. که نقش عمیقی در قطعی شدن مبارزات مردم ایران و در راس آن طبقه کارگر دارد، که کسب قدرت سیاسی و سوسیالیسم را در دستور خود دارد.

فاکتورهای زیادی در توضیح و تبیین این واقعیت وجود دارند که این نوشته کوتاه از بیان و شمارش آن عاجز است. نگاهی به قطعنامه های مصوب کنگره ششم بیان دیگری از وحدت و انسجام حزبی و تیزبینی و درایت سیاسی رهبری و کادرهای حزبی است. بیان دیگری از جدی بودن حزب کمونیست کارگری برای تحقق حکومت کارگری است.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کنگره ۶ یک سؤال از ناصر اصغری، امیر توکلی و سعید اصلی



سعید اصلی



امیر توکلی



ناصر اصغری

نوبین جهانی و زمینه های تعرض تازه چپ در سطح دنیا" را داشتیم که برای همه کمونیستهای جهان راهگشا است. همینجا جالب است گفته های رفقای فرانسوی کنگره را بازگو کنم. ابتدا توضیح دهم که هیئتی از طرف کمونیستهای فرانسوی در کنگره شرکت داشتند که هدفشان اولاً آشنایی بیشتر و از نزدیک با حزب و دوماً ایجاد زمینه هایی برای ایجاد انترناسیونال بین

ویژگی های این دوره است. شرایط سیاسی فعلی قابل قیاس با چند ساله اخیر نیست و حزب ما در بوجود آمدن چنین شرایطی نقش تعیین کننده داشته است. لذا این ویژگی را کنگره بدو باید به رسمیت می شناسد و مراحل و دقایق پیشروی گرایش سوسیالیستی در مبارزات جاری را باید تدوین و روشن میکرد و بر جایگاه محوری و مهم حزب و حزبیت در به سرانجام

داشتیم. اکثریت نمایندگان از کشورهای کانادا، آمریکا، آلمان، انگلیس، هلند، دانمارک، فنلاند، فرانسه و سوئد خود را به کنگره رسانند و در آن فعالانه شرکت کردند. سازماندهی خوب کنگره هم کمک بزرگی به پیشبرد حرفه ای جلسات داشت. همینجا من از تمامی رفقای عزیز که با پشتکار و فعالیت شبانه روزی این امر مهم را در بهترین شکلی امکانپذیر

قبل از ارائه قطعنامه و مباحث، در جمعهای چند نفره در باره آنها صحبت می شد و می شد هم نظری را در بین آنها مشاهده کرد. کسی یک ذره از ماکسیمالیسمش کوتاه نمی آمد. و من فکر نمیکنم که هیچکسی یک ذره ملاحظاتی به خود راه می داد. حرف دلش را همانجا می زد. در یک جمله بگویم که فضای کنگره و مباحث و قرارهای آن من را به شدت متأثر کرد. و فکر کنم که این فضا اکثر شرکت کنندگان را نیز تحت تأثیر قرار داد. برای نمونه شب قبل از کنگره به یکی از دوستان مهمان گفتم که اکنون وقت آنست که باید به حزب در ظرفیت عضو متشکل پیوست که جواب ردی داد. اما روز آخر آنقدر تحت تأثیر فضا و بحثها قرار گرفته بود که روی سن رفت و عضو حزب شد.

در آخر از فرصت استفاده می کنم که به تدارک بسیار حرفه ای کنگره، از اجرای سرود انترناسیونال تا تهیه جای خوب و مناسب تا محل نگهداری کودکان و غیره که واقعا همه را، حتی کارگران محل کنگره را هم که ایرانی نبودند، تحت تأثیر گذاشت، اشاره بکنم و از رفقای دست اندر کار صمیمانه تشکر کنم.

ایسکرا: امیر توکلی تصویر و انتظار شما از کنگره ۶ چه بود؟

امیر توکلی: تصویر و انتظاری که من از کنگره ششم حزب داشتم در دو سطح بود، اول اینکه همچون کنگره های قبلی مجمعی باشد از نمایندگان حزب از اقضا نقاط جهان، که طی دو روز کار فشرده با تبادل نظر و بحث حول وضعیت سیاسی ایران و جهان و موقعیتی که حزب در آن قرار دارد، جمع بندی از فعالتهای گذشته حزب انجام دهد و اهداف رو به پیش را تدوین کند. در کنار این تأمین امنیت بالا و سازماندهی حرفه ای کنگره هم مهم بود. بنظر من در این سطح کنگره خیلی موفق

ایسکرا: ناصر اصغری شما در کنگره ششم حزب کمونیست کارگری ایران شرکت کردید، اگر بخواهید تصویری از کنگره را برای خوانندگان نشریه ایسکرا ارائه دهید، به چه نکات و جوانبی از کنگره و همچنین مباحث، قطعنامه و قرارها که از نظر شما اهمیت داشت اشاره خواهید کرد؟

ناصر اصغری: اولاً اجازه می خواهم احساس شخصی (نه سیاسی) ام را بگویم. برای من که در اولین مجمع حزبی در این ظرفیت (پلنوم و کنگره) شرکت می کردم، و با اینهمه کادر و فعال حزبی از نزدیک آشنا می شدم، یک حال و هوای بخصوصی داشت. رفقای که دهها و صدها بار مکالمه تلفنی و یا با ایمیل و نامه با هم ارتباط داشتیم را برای اولین بار می دیدم و چند تن از آنها را حتی بعد از معرفی خود با اسم کوچکشان نشناختم واقعا احساسی است که فکر نکنم به زودی فراموش شود.

اما خود کنگره و مباحث و قرارهایی که ارائه می شدند، به نظر من در عین حالی که جهتگیریهای این دوره حزب را مشخص می کردند، بر ادیکالیسم و روشن بینی حزب تا آن مقطع تأکیدی دو و چند باره داشتند. حزبی که رهبریش مجبور به تعبد شده و در همین موقعیت هم به روشنی می شود دید که منشاء اثر در عرصه های مختلفی شده است، یک ذره از ادیکالیسم و خلاف جریان بودنش کوتاه نیامده است.

راستش هم نظر بودن این همه کادر استخوان خورده کرده برایم خیلی جالب بود. این به نظرم بر یکی دو نکته دلالت دارد. موقعیت ایران و جهان، هر دو، رادیکالیسم و مارکسیسم را می طلبند. این را می گویم برای اینکه قطعنامه های پیشنهادی چند روز قبلتر در اختیار نمایندگان و کل جامعه قرار گرفته بودند و به آنها فکر شده بود. شبهای



الملل بود. آنها در کنگره با حزبی آشنا شدند که برایشان بسیار هیجان انگیز و غرور آفرین بود میگفتند که بسیار خوشحالند که در کنگره شرکت کردند و مهمتر اینکه حزب به تنهایی هم میتواند انترناسیونال بین الملل را سازمان دهد این را خطوط سیاسی، رادیکالیسم حزب، انسجام نظری و تشکیلاتی و نفوذ سیاسی اش نشان میدهد. چرا که رفقای از عراق، ترکیه، ایتالیا و فرانسه در این حزب فعالیت میکنند. این مساله برایشان جالب بود و چنین تصویری از حزب نداشتند. لذا نقش و جایگاه

رسانده این مبارزات، یعنی برقراری جمهوری سوسیالیستی تأکید میکرد. در این رابطه قطعنامه "درباره رشد گرایش سوسیالیستی در حرکت های اعتراضی مردم و عروج کمونیسم کارگری" را داشتیم. که بسیار بجا و راهگشا است. بقرول حمید تقوایی این کنگره سوسیالیسم و حزبیت بود.

در سطح جهانی ما با عروج چپ مواجه هستیم. چپ با قدرت در همه کشورها ارکان جامعه سرمایه داری را به زیر سوال میبرد و پایان دوره طلوع خونین نظم نوبین جهانی است. در این رابطه هم قطعنامه "افول نظم

کردند، تشکر میکنم. اما در سطح دوم یعنی مضمون و مباحث سیاسی کنگره از اهمیت تعیین کننده ای برخوردار بود. کنگره ویژگی های سیاسی دوره حاضر را در سطح جهانی و در ایران بحث و بررسی کرد.

هر ناظر تحولات سیاسی در ایران بر رادیکالیسم و برتری شعارها و نقد سوسیالیستی در اعتراضات و بیانیه های مبارزاتی کارگران، مدافعین حقوق کودک، جنبش زنان و جنبش دانشجویی واقف است. گرایش سوسیالیستی و نقد جامعه سرمایه داری در همه سطوحش از

قرار بازداشت شیث امانی و صدیق کریمی یک ماه دیگر تمدید شد

روز ۱۳/۳/۱۳۸۶ خانواده صدیق کریمی و وکیل شیث امانی با آنها در زندان مرکزی سنندج ملاقات کردند. بنا به اظهار وکیل پرونده شیث امانی قرار بازداشت شیث و صدیق یک ماه دیگر تمدید شده است و آنان همچنان باید در زندان بمانند. قبل از این شیث امانی و صدیق کریمی بمدت ۱۰ روز به اداره اطلاعات سنندج منتقل شده و ممنوع الملاقات بودند. این در حالی است که سایت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار نیز از روز پنجشنبه مورخه ۱۳۸۶/۳/۱۰ فیلتر شده است.

فیلتر سایت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و تداوم بازداشت موقت شیث امانی رئیس هیئت مدیره و صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار از سوی معنایی جز پرونده سازی واهی برای شیث و صدیق ندارد و از سوی دیگر بیانگر تشدید سیاست مقابله با تشکلهای کارگری موجود است. اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار از عموم کارگران و نهادهای کارگری در سراسر جهان میخواهد تا با اعتراضی گسترده در مقابل سیاست تشدید مقابله با تشکلهای کارگری موجود بایستند و اجازه ندهند صدیق کریمی و شیث امانی پیش از این در زندان بمانند. صدیق کریمی در نتیجه ضرب و شتم شدید در مراسم اول ماه مه شنوایی یکی از گوشهایش را از دست داده و یکی از دندانهایش نیز شکسته است با اینحال تا کنون به وی اجازه مداوا نداده اند، این در حالی است که محمود صالحی در زندان از نظر جسمانی در شرایط وخیمی بسر می برد و به وی نیز علیرغم اینکه جانش در خطر است اجازه مداوا نداده اند.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در حال جمع آوری طوماری برای برپایی یک تجمع اعتراضی نسبت به وضعیت رهبران کارگری در بند است و از همه کارگران بویژه کارگران سنندج میخواهد تا با امضای گسترده این طومار به تجمع اعتراضی اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار بپیوندند.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ۱۳/۳/۱۳۸۶

www.ettahade.com

k.ekhraj@gmail.com

به مناسبت اجلاس
سالیانه سازمان جهانی کار
ILO

از: اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران
به: کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری

با درودهای فراوان

دوستان و همکاران گرامی

امسال در حالی اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار برگزار میشود که:

۱- بنا بر اخبار رسمی منتشره فقط در شش ماهه اول سال گذشته ۲۰۰ هزار کارگر از کارهای خود اخراج شدند. همچنین بنا بر اخبار رسمی کارفرمایان با اخراج این کارگران از کارهایشان، بر شدت کار کارگران باقی مانده افزوده و کار آنان را به کارگران باقی مانده تحمیل کردند. (اخبار رسمی در ایران تنها گوشه ای از خبرها و مسائل کارگری را منعکس میکند)

۲- عدم پرداخت بموقع دستمزدهای کارگران نسبت به سالهای پیش در ایران ابعاد هر چه گسترده تری پیدا کرده است بطوریکه در سال گذشته ۹۵ درصد اعتراضات کارگری حول عدم پرداخت بموقع دستمزدها صورت گرفت. در سال گذشته بر طبق اخبار رسمی منتشره بطور متوسط ماهانه نزدیک به ۵۰ مورد اعتراض کارگری رخ داده است. این در حالی است که بنا بر اخبار رسمی منتشره در سال گذشته ماهانه بطور متوسط نزدیک به سی مورد (کارخانه) عدم پرداخت بموقع دستمزدها نیز وجود داشته است که کارگران به دلیل ترس از بیکاری و اخراج دست به اعتراضی زده اند. بعنوان مثال بر طبق اخبار رسمی در سال گذشته ۵۰ درصد کارگران شاغل در عسلویه که در

بدترین شرایط کار میکنند با ۵ الی ۶ ماه تاخیر دستمزدهای خود را دریافت کرده اند.

۳- حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۵، ۱۵۶ هزار تومان در ماه بوده است، این در حالی است که بنا بر اخبار رسمی منتشره بیش از سی هزار شرکت پیمانکاری با بیش از یک میلیون کارگر در ایران وجود دارد که در سال گذشته ۷۵ درصد این شرکتها به کارگران خود پایین تر از حداقل دستمزد تصویب شده حقوق داده اند و دستمزد کارگران کارخانه های دستمال کاغذ سازی مثلا استان قم ۸۰ هزار تومان در ماه بوده است. این وضعیت دستمزدها در شرایطی است که اجاره بهای یک منزل مسکونی در تهران برای یک خانواده چهار نفره در مناطق کارگر نشین در سال گذشته حدود ۲۲۰ هزار تومان در ماه و در سایر شهرهای بزرگ و صنعتی ۷۰ درصد این مبلغ بوده است.

۴- دلیل دستمزدهای بسیار پایین و اخراج و بیکار سازی گسترده کارگران، در طول سال گذشته پدیده کار کودکان بویژه در کارگاهها و تکی گری و دستفروشی آنان در خیابانها همچنان سیر صعودی پیدا کرده است، بویژه اینکه کودکان کارگران مهاجر افغانی در شرایط اسفباری کار و زندگی میکنند و حق تحصیل ندارند.

۵- زنان کارگر در ایران از دستمزد برابر با مردان محروم هستند. بعنوان مثال بر طبق اخبار رسمی، کارخانه ریسندگی و بافندگی زابل سال گذشته کارگران مرد خود را اخراج و به جای آنها کارگران زن را با دستمزد ماهیانه ۵۰ هزار تومان استخدام کرد. زنان در شهرهای بزرگ اغلب در شرکت های خصوصی و بعنوان فروشنده مشغول بکار هستند که اکثریت قریب به اتفاق آنان نصف کارگران مرد دستمزد دریافت میکنند.

۶- پیمانهای دسته جمعی در ایران بطور کلی وجود ندارد. در سال گذشته علاوه بر بکارگیری کارگران با شرایط برده واری مانند قراردادهای موقت یک ماهه و

قراردادهای سفید امضا (کارگران قرارداد موقت سفیدی را که کارفرما ارائه میدهد امضا میکنند و کارفرما هر طوریکه دلش خواست آنرا می نویسد و تنظیم میکند) "در برخی کارخانه ها کارگران را با قرار داد سفید امضا و دریافت سفته های چند میلیون تومانی بکار گرفتند" بنا بر اخبار رسمی منتشره در شهر صنعتی ساوه کارفرمایان اقدام به اینکار کرده بودند.

از طرف دیگر:

۱- در سال گذشته کارگران کارخانه پریس در سنندج و فرش البرز در شهر بابلسر شدت سرکوب شدند بطوریکه تعداد زیادی از آنان زخمی و دهها نفر نیز بازداشت شدند. همچنین اعتراض کارگران گمرگ بندر دیلم شدت سرکوب شد و مغز کارگری بر اثر اصابت گلوله نیروهای انتظامی از هم پاشید.

۲- تجمع معلمان در تهران شدت سرکوب شد و جمع کثیری از آنان بازداشت و به زندان افکنده شدند.

۳- یک ماه پیش نیروهای امنیتی و انتظامی در سنندج، به مراسم اول ماه مه در این شهر یورش برده و تعداد زیادی از کارگران را زخمی و ۱۳ نفر را بازداشت کردند. ۱۱ نفر از این بازداشت شدگان پس از ده روز با قرار کفالت پنج میلیون تومانی از زندان آزاد شدند اما شیث امانی رئیس هیئت مدیره و صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، از آژمان همچنان در زندان بسر می برند. شیث امانی در جریان حمله نیروهای انتظامی زانوی پیش آسیب دیده است و صدیق کریمی در نتیجه ضرب و شتم مامورن امنیتی در اول ماه مه، یکی از گوشهایش، شنوایش را از دست داده و یکی از دندانهایش نیز شکسته است. همچنین در طول یک ماه گذشته علیرغم درخواست این دو نفر جهت مراجعه به پزشک، به آنان اجازه مداوا نیز نداده اند.

۴- امسال در آستانه اول ماه مه، محمود صالحی یکی از رهبران کارگری ایران را بدون ابلاغیه کتبی قبلی و بدون طی مراحل قانونی بازداشت و تحت شرایط ویژه ای به زندان مرکزی سنندج منتقل کردند.

محمود صالحی یک کلیه ندارد و کلیه دیگرش نیز ۵۰ درصد کار میکند، به همین دلیل در حال حاضر در وضعیت جسمانی وخیمی بسر می برد که نیاز فوری به مداوا دارد، اما به وی نیز اجازه مداوا داده نشده و سلامتی اش بطور جدی در خطر است.

۵- در مدت دو سال گذشته اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تحت شدیدترین فشار ها از قبیل زندان، اخراج و ضرب و شتم قرار گرفته و همین چندی پیش منصور اسالو رئیس هیئت مدیره این سندیکا را به ۵ سال زندان محکوم کردند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه عضو فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل می باشد.

وضعیت فوق تنها به عنوان زوایایی از شرایط کار و زندگی کارگران در ایران، در حالیست که علیرغم توافق دولت ایران مبنی بر اجرای مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار، همچنان ایجاد تشکلهای کارگری در ایران توسط خود کارگران و بطور مستقل، امری ممنوعه تلقی میشود و تجمعات کارگری با شدیدترین سرکوب ها مواجه میگردد، آنوقت تحت چنین شرایطی و بی حقوقی مطلق کارگران در ایران و در حالی که رهبران و نمایندگان واقعی کارگران به بند کشیده شده اند، شوراها اسلامی و خانه کارگر که تشکلهایی وابسته به دولت هستند و ظرف ۲۸ سال گذشته شریک تحمیل بی حقوقی مطلق بر کارگران بوده اند، به عنوان نمایندگان کارگران ایران جهت شرکت در اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار پذیرفته میشوند.

پذیرش خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار به عنوان نمایندگان کارگران ایران، از نظر ما همسویی با سیاستهای شدت ضد کارگری جاری در ایران است و اتحادیه ما آنرا محکوم میکند.

دوستان و همکاران گرامی

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران که طی یک

در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار مروری بر بخشی کوچکی از جنایات جمهوری اسلامی بر علیه کارگران ایران

به مناسبت اجلاس . . .

از صفحه ۵

مجمع عمومی با شرکت کارگران موقت، تعلیقی و اخراجی تعدادی از کارخانه‌ها تشکیل شده است، از شما و سایر نمایندگان کارگران سراسر جهان که در اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار شرکت دارید، انتظار دارد ضمن اعتراض به شرایط برده وار کارگران ایران و اعتراض به برخی سیاستهای مداخلات جویانه که موجبات حضور خانه کارگر و شوراها را در سازمان جهانی کار فراهم آورده است، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی، شیث امانی و صدیق کریمی از زندان شوید و طی جلسه امسال بطور متحدهانه ای از سازمان جهانی کار بخواهید تا زمانی که ایجاد تشکلهای کارگری توسط خود کارگران و بطور مستقل در ایران آزاد نشود و کارگران قادر نشوند آزادانه تشکلهای خود را بر پا دارند، نماینده ای را از ایران نپذیرد.

بی تردید اعلام همبستگی شما با کارگران ایران، ضمن کمک به کارگران ایران برای رسیدن به حقوق انسانی شان، موجب تقویت اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر خواهد شد.

دست همه شما را به گرمی می فشاریم و برایتان در جلسه امسال سازمان جهانی کار آرزوی موفقیت داریم.

**زنده یاد همبستگی بین المللی طبقه کارگر
اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و
بیکار ایران ۱۱/۳/۱۳۸۶**

www.etfahade.com

k.khrajji@gmail.com

رو نوشت به همه نمایندگان سازمانهای کارگری شرکت کننده در اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار ILO

در حالی که کنفرانس سالیانه سازمان جهانی کار در جریان است و جمهوری اسلامی و عوامل شوراها و خانه کارگرش نیز در این کنفرانس حضور دارند، جا دارد با اشاره به گوشه ای از پرونده سیاه این رژیم در نقض و سرکوب حقوق و مبارزات کارگران ایران، با صدای رسا خواهان اخراج جمهوری اسلامی از این نهاد شویم.

- اول مه ۲۰۰۷، ۱۳ نفر از فعالین کارگری در شهر سنندج به اسامی: ۱- شیث امانی رئیس هیئت مدیره اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران ۲- صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران ۳- خالد سواری نایب رئیس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران ۴- اقبال لطیفی ۵- یدالله مرادی ۶- نجمه الدین رجبی ۷- فاروق گویلی ۸- انور مفاخری ۹- صدیق امجدی ۱۰- حبیب الله کلکانی ۱۱- محی الدین رجبی ۱۲- صدیق صبحانی، ۱۳- طیب چتانی به جرم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در این روز، دستگیر شدند. یازده نفر از این کارگران به قید وثیقه آزاد شدند و شیث امانی و صدیق کریمی هنوز در زندان بسر میبرند. کارگران آزاد شده نیز به دادگاه احضار شده اند. به ۱۱ کارگر بازداشتی در مراسم اول ماه مه سنندج اعلام شده است تا روز ۸۶/۴/۱۹ جهت محاکمه به شعبه ۱۰۴ جزایی دادگاه عمومی سنندج مراجعه کنند)

- موج جدیدی از حمله به مهاجرین افغانی ساکن ایران شروع شده است. قوای پلیسی و سرکوبگر رژیم اسلامی به همراه ماموران وزارت کار، سر زده به هر محل کاری وارد می شوند و به جان کارگران افغانی می افتند و با ضرب و شتم و خشونت، حتی آنها را از داربست کار به پایین پرتاب میکنند و آنها را روانه مرز و سپس افغانستان ویران و جنگ زده می کنند. یکی از کارگران افغان در این

حمله به نحو فجیعی به قتل رسید.

- روز دوشنبه ۲۰ فروردین (۹ آوریل ۲۰۰۷) محمود صالحی یکی از فعالین کارگری در شهر سقز دستگیر و به زندان سنندج منتقل شد.

- منصور اسانلو رییس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد در جلسه روز پنجم اسفند ۸۵ در شعبه ۱۴ بازرسی دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» به تحمل چهار سال حبس و بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» به تحمل یک سال حبس و در مجموع به پنج سال حبس تعزیری محکوم شد.

- مبارزات معلمان برای خواستهای برحقشان که در سه ماهه اخیر اوج جدیدی گرفته است، با سرکوب و دستگیری دهها نفر از آنان روبرو شد و هنوز به خواستههایشان پاسخی داده نشده است. معلمان دستگیر شده بدنبال فشار اعتراض معلمان با قید وثیقه از زندان آزاد شدند، اما قرار است به دادگاه احضار شوند. تعدادی از این معلمان نیز منقصل از خدمت شده و از کار خود بیکار شده اند.

- ژانویه ۲۰۰۶، صدها کارگر شرکت واحد در اعتصاب ژانویه دستگیر شدند، بعضا شکنجه شدند و همگی اخراج شدند. حتی تعدادی از همسران و فرزندان کارگران نیز شبانه با ضرب و شتم به زندان انداخته شدند. از این کارگران هم اکنون تعدادی اخراج و تحت فشار هر روزه جمهوری اسلامی قرار دارند.

- بیش از یک میلیون کارگر از چندماه تا دو سال و سه سال دستمزد آنها پرداخت نشده است. از جمله کارگران کاشان که ۱۴ ماه است حقوق نگرفته اند، کارگران چندین نساجی در قزوین و صدها مرکز کارگری دیگر. دستمزدهایی که مطابق آمار دولتی سه بار از خط فقر پائین تر است. اعتراض بخاطر گرفتن

دستمزدها به خاک و خون کشیده میشود.

- مبارزه کارگران مس خاتون آباد کرمان علیه اخراج در سه سال قبل به خاک و خون کشیده شد و چهار نفر از کارگران با اصابت گلوله نیروهای سرکوبگر دولتی کشته شدند.

- سپتامبر ۲۰۰۵، یازده نفر از کارگران معدن باب نیرو بخاطر صرفه جویی کارفرما و خاموش کردن دستگاههای تهویه جان باختند و دولت کوچکترین تعهدی در مقابل خانواده هایشان بعد از نگرفت.

اعتراض در مقابل این بیحقوقی ها با گلوله، زندان و شکنجه و اخراج پاسخ میگیرد.

نمایندگان شوراها و خانه کارگر جمهوری اسلامی که هر ساله بعنوان نماینده کارگران در سازمان جهانی کار شرکت میکنند یک سازمان ایدئولوژیک و دولتی است که در سرکوب کارگران دولت را همراهی میکنند. نمونه بارز آن سرکوب کارگران شرکت واحد و بریدن زبان اسانلو در حمله خانه کارگر و شوراها و اسلامی به دفتر سندیکای شرکت واحد در تاریخ ۹ مه ۲۰۰۵ و نیز شرکت در سرکوب اعتصاب ژانویه کارگران و دستگیری فعالین سندیکا بود.

جمهوری اسلامی و هیات آن نباید به سازمان جهانی کار راه داده شوند. اینها باید به جرم ۲۸ سال جنایت علیه کارگران و زنان و کل مردم ایران به محاکمه کشیده شوند.

از همه سازمانهای کارگری تقاضا میکنیم قاطعانه خواهان اخراج جمهوری اسلامی و شوراها و اسلامی و خانه کارگر از سازمان جهانی کار بشوند و از خواستههای پایه ای کارگران در ایران مانند حق تشکل و اعتصاب و قرارداد دسته جمعی قاطعانه حمایت کنند.

**کمیته همبستگی بین المللی کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ خرداد ۱۳۸۵ - ۳۰ مه ۲۰۰۷**

قرار بازداشت شیث امانی و صدیق کریمی یک ماه دیگر تمدید شد

روز یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۸۶ قرار بازداشت شیث امانی رئیس هیئت مدیره و صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به مدت یک ماه دیگر تمدید شد. بر اساس قرار بازداشت اخیر این دو فعالین کارگری باید یک ماه دیگر در بازداشت بسر ببرند. خانواده صدیق کریمی و وکیل شیث امانی روز

یکشنبه ۱۳ خرداد، در زندان مرکزی سنندج با این دو کارگر زندانی ملاقات کردند. وکیل پرونده شیث امانی اعلام کرد که قرار بازداشت شیث امانی و صدیق کریمی یک ماه دیگر تمدید شده است. قبلاً آنها بمدت ۱۰ روز از زندان مرکزی سنندج به اداره اطلاعات این شهر منتقل و ممنوع الملاقات شده بودند.

زندانیان سیاسی گسترش اعتراضات است. رژیم تنها هنگامی ناچار به عقب نشینی خواهد شد که یک صف وسیع و قدرتمند اعتراضی را در مقابل خود ببیند. ما یک بار دیگر بر تشدید و گسترش اعتراضات تاکید میکنیم. و از همه مردم و کارگران میخواهیم که خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی شوند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ خرداد ۱۳۸۶ - ۳ جون ۲۰۰۷**

منظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه صورت گرفته است. هم اکنون علاوه بر صدیق کریمی و شیث امانی، محمود صالحی هم، همچنان در زندان بسر میبرد و یکی از کلیه هایش قبلاً از کار افتاده و تنها کلیه او هم مریض است و باید مدام تحت نظر دکتر باشد و اسانلو هم به ۵ سال زندان محکوم شده است.

مردم و کارگران نباید منتظر نامه و نامه نگاری به مقامات دولتی بنشینند. راه واقعی و درست به منظور آزادی این کارگران و همه

بنا به خبر رسیده یک گوش صدیق کریمی در نتیجه ضرب و شتم شدید در مراسم اول ماه مه آسیب دیده است و یکی از دندانهایش نیز شکسته است. مقامات دولتی او را از دکتر و دارو محروم کرده اند و اجازه مداوا به او نداده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن تمدید بازداشت این رهبران کارگری از همه کارگران و مردم سنندج میخواهد که برای آزادی کارگران زندانی به میدان بیایند. تمدید بازداشت این رهبران کارگری به